



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



ارسلان علی محمد صابری

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir



امام مہدی (عج) در کلام بزرگان

محمد فاطمی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

امام مهدی (عج) در کلام بزرگان

نویسنده:

محمد فاطمی

ناشر چاپی:

محمد فاطمی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	امام مهدی (عج) در کلام بزرگان
۷	مشخصات کتاب
۷	امام مهدی در کلام امام حسین (ع)
۷	مقدمه
۷	نسب مهدی
۷	عدالت گستری مهدی
۸	صابران در غیبت مهدی
۹	خصال مهدی
۹	سخنان معصومان درباره امام مهدی (عج)
۱۰	امام مهدی در کلام نبی
۱۰	مهدی موعود از دیدگاه ملاصدرا
۱۱	اشاره
۱۱	زمین هیچ گاه از حجت الهی خالی نیست
۱۲	شرایط امامت و تعیین مصداق
۱۲	فضیلت اهل بیت
۱۳	ایمان به حضرت مهدی ایمان به غیبت است
۱۳	ویژگی‌های حضرت مهدی در هنگام ظهور
۱۳	صدر المتألهین و مسأله رجعت
۱۳	اهل سنت و مسأله امامت و مهدویت
۱۴	نظرة فی احادیث المهدی
۱۶	بعض ما ورد فی احادیث الاصحاب والتابعین حول الامام المهدی
۱۷	بعض ما ورد فی احادیث الرسول الاکرم حول الامام المهدی

۱۸ پاورقی

۱۹ درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

امام مهدی (عج) در کلام بزرگان

مشخصات کتاب

نویسنده: محمد فاطمی

ناشر: محمد فاطمی

امام مهدی در کلام امام حسین (ع)

مقدمه

وجود مقدس حضرت بقیه الله الاعظم، اروحنا له الفداء، در معارف به عنوان «خونخواه کشته کربلا» [۱] شناخته شده و شیعیان همراهی با آن امام منصور برای گرفتن انتقام خون حسین (ع) و یارانش را یکی از آرزوهای بزرگ خود می‌دانند، [۲] تا جایی که در هر عاشورا به یکدیگر اینگونه سر سلامتی می‌دهند: «اعظم الله اجورنا بمصابنا بالحسین (ع) و جعلنا و ایاکم من الطالبین بشاره مع ولیه الامام المهدی من آل محمد:» [۳]. خداوند پاداش ما را در عزای مصیبت حسین (ع) بزرگ گرداند و او شما را از جمله کسانی که به همراه ولی‌اش امام مهدی از آل محمد: به خونخواهی او برمی‌خیزند قرار دهد. در یک کلام نام حسین (ع) و مهدی (ع) برای شیعیان یادآور یک حکایت ناتمام است، حکایتی که آغازگر آن حضرت اباعبدالله الحسین (ع) و پایان بخش آن حضرت بقیه الله الاعظم (ع) است. در هر حال از آنجا که در اذهان شیعیان این دو وجود مقدس از قرابت و ارتباطی جدایی‌ناپذیر برخوردارند. از همین رو مناسب دیدیم که در ایام عزای سرور آزادگان به بخشی از معارف ارزشمندی که از آن حضرت در ارتباط با فرزند ارجمندش حضرت مهدی (ع) رسیده است اشاره کنیم:

نسب مهدی

حضرت ابا عبدالله الحسین (ع) در روایتهای متعددی به این موضوع که حضرت مهدی (ع) از فرزندان و نوادگان ایشان است اشاره کرده‌اند که از جمله آنها روایتی است که در زیر آمده است: «دخلت علی جدی رسول الله (ص) فاجلسنی علی فخذہ و قال لی: ان الله اختار من صلبک یا حسین تسعة ائمة، تاسعهم قائمهم، و کلهم فی الفضل والمنزلة عند الله سواء» [۴]. بر جدم رسول خدا، که درود و سلام خدا بر او باد، وارد شدم، پس ایشان مرا بر زانوی خود نشاند و فرمود: ای حسین! خداوند از نسل تو نه امام را برگزیده است که نهمین نفر از ایشان قیام کننده آنهاست و همه آنان در پیشگاه خداوند از نظر فضیلت و جایگاه برابر هستند. این موضوع که قائم آل محمد (ص) از نسل حسین (ع) و نهمین نواده اوست در روایات بسیاری، که از طریق شیعه و اهل سنت روایت شده، آمده است و هر گونه شک و تردید نسبت به نام و نشان و مشخصات موعود آخرالزمان و آخرین ذخیره الهی را برطرف می‌سازد. «دخلت علی النبی (ص) فاذا الحسین علی فخذہ و هو یقبل عینیه وفاه و یقول: انت سید ابن سید انت، امام ابن امام، أنت حجۃ ابن حجۃ، ابو حجج تسعة من صلبک تاسعهم قائمهم.» [۵]. بر پیامبر خدا وارد شدم و دیدم که آن حضرت در حالی که حسین را بر زانوی خود نشاند بر چشمها و دهان او بوسه می‌زند و می‌فرماید: تو آقایی فرزند آقایی، تو امامی فرزند امامی، تو حجتی فرزند حجتی، تو پدر حجت‌های نه گانه‌ای، از نسل تو نهمین حجت و قیام کننده آنان بر خواهد خاست.

عدالت گستری مهدی

عدالت و تشکیل جامعه‌ای بر اساس عدل از آرمانهای همیشگی بشر بوده و در طول هزاران سالی که از زندگی انسان بر کره خاک می‌گذرد و صدها و هزاران نفر در پی تحقق این آرمان، بشریت خسته از ظلم و ستم را به دنبال خود کشیده‌اند، اما جز در مقاطع کوتاهی از زندگی بشر و آن هم در سرزمینهای محدود هرگز این آرمان بدرستی تحقق نیافته و هنوز هم عدالت آرزویی دست نیافتنی برای انسان عصر حاضر است. با توجه به همین موضوع در روایتی که از پیامبر اکرم (ص) و امامان معصوم شیعه: وارد شده، گسترش عدالت و از بین بردن ظلم را یکی از بزرگترین رسالت‌های امام مهدی (ع) بر شمرده و تحقق عدالت واقعی را تنها در سایه حکومت او امکان‌پذیر دانسته‌اند. از جمله این روایتها روایتی است که از حضرت ابا عبدالله الحسین (ع) نقل شده و در آن آمده است: «لو لم یبق من الدنیا الا یوم واحد، لطول الله عزوجل ذلک الیوم حتی یرج رجل من ولدی، فیملها عدلا و قسطا کما ملئت جورا و ظلما، کذلک سمعت رسول الله (ص) یقول [۶]. اگر از عمر دنیا تنها یک روز باقی مانده باشد و خداوند آن روز را چنان طولانی می‌گرداند که مردی از فرزندان من قیام کند و دنیا را پس از آنکه از ظلم و ستم پر شده بود پر از عدل و داد نماید، من این سخن را از رسول خدا، که درود و سلام خداوند بر او باد، شنیدم. پیامبر گرامی اسلامی (ص) نیز قیام عدالت گستر نهمین فرزند امام حسین (ع) را چنین بیان می‌کنند: «... و جعل من صلب الحسین (ع) ائمة یقومون بامری... التاسع منهم قائم اهل بیتی، مهدی امتی، شبه الناس بی فی، شمائله و اقواله و افعاله، یرظهر بعد غیبت طویله و حیره مظله، فیعلن امر الله و یرظهر دین الله... فیمل الارض قسطا و عدلا، کما ملئت جورا و ظلما.» [۷] ... خداوند از فرزندان امام حسین، امامانی قرار داده است که امر (راه و روش آیین) مرا بر پا می‌دارند. نهم آنان قائم خاندان من مهدی امتم می‌باشد. او شبیه‌ترین مردمان است به من در سیما و گفتار و کردار. پس از غیبتی طولانی و سرگردانی و سردرگمی مردم، ظاهر می‌شود، آنگاه امر (آیین) خدا را آشکار می‌سازد... پس زمین را از عدل و داد لبریز می‌کند پس از آنکه از ستم و بیداد لبریز شده باشد.

صابران در غیبت مهدی

یکی از ارکان انتظار فرج صبر و پایداری است و انسان منتظر در واقع کسی است که همه سختیها و ناملایمات را به امید رسیدن به آرمان بلند خویش تحمل می‌کند و از فشار و تهدید زورگویان و طعنه و تکذیب نابخردان هراس به دل راه نمی‌دهد، از همین رو در روایات صبر و انتظار همواره قرین یکدیگر بوده و فضیلت بسیاری برای صبر پیشگان در زمان غیبت بر شمرده شده است. حضرت سیدالشهداء (ع) که خود والاترین مظهر صبر و مقاومت در راه ادای تکلیف الهی است در بیان مقام منتظرانی که صبر و شکیبایی پیشه ساخته و بر آرمان خویش پایداری می‌ورزند می‌فرماید: «منا اثنا عشر مهديا، اولهم امیر المؤمنین علی بن ابی طالب، و آخرهم التاسع من ولدی، و هو القائم بالحق، یحیی الله به الارض بعد موتها، و یرظهر به دین الحق علی الدین کله، و لو کره المشرکون. له غیبه یرتد فیها اقوام و یثبت فیها علی الدین آخرون، فیؤذون و یقال لهم: «متی هذا الوعد ان کنتم صادقین، اما ان الصابر فی غیبه علی الادی و التکذیب بمنزله المجاهد بالسیف بین یدی رسول الله (ص)» [۸]. در میان ما اهل بیت دوازده مهدی وجود دارد که اولین آنها امیرمؤمنان علی بن ابی طالب (ع) و آخرین آنها نهمین فرزند من است. و اوست قیام کننده به حق، خداوند به وسیله او زمین را پس از آنکه مرده است زنده می‌کند و دین حق را به دست او بر همه ادیان غلبه می‌دهد، اگر چه مشرکان نپسندند. برای او غیبتی است که گروهی در آن از دین خدا بر می‌گردند و گروهی دیگر بر دین خود ثابت می‌مانند، که این گروه را اذیت کرده و به آنها می‌گویند: «پس این وعده چه شد اگر راست می‌گویید؟» آگاه باشید آنکه در زمان غیبت او بر آزار و اذیت و تکذیب صبر کند همانند کسی است که در مقابل رسول خدا (ص) با شمشیر به جهاد برخاسته است. شاید بتوان گفت فضیلت‌های بی‌شماری در روایات ما که برای منتظران فرج بر شمرده‌اند به اعتبار همین صبر و شکیبایی و تحمل مشکلاتی است که منتظران واقعی فرج بر خود هموار می‌کنند. چنانکه در روایتی که از امام صادق (ع) وارد شده، آمده است: «... فلا یستفرنک الشیطان، فان العزّه لله و لرسوله و للمؤمنین،

و لكن المنافقين لا- يعلمون، الا- تعلم ان من انتظر امرنا و صبر على، يرى من الاذى والخوف، هو غدا في زمرة...» [۹]. شیطان تو را تحریک نکند. زیرا که عزت از آن خدا و پیامبر و مؤمنان است لیکن منافقان نمی‌دانند، آیا نمی‌دانی کسی که منتظر امر ما (حاکمیت اجتماعی آرمانی ما) باشد، و بر بیمها و آزارهایی که می‌بیند شکیبایی ورزد، در روز بازپسین در کنار ما خواهد بود...

خصال مهدی

حضرت مهدی (ع) عصار و فشرده عالم هستی [۱۰] و وارث همه انبیاء اولیاء الهی است، و خداوند متعال همه خصال نیکویی را که در بندگان صالح پیش از او وجود داشته، در آن حضرت جمع کرده است. به بیان دیگر آنچه خوبان همه دارند او به تنهایی دارد. در زمینه آنچه گفته شد روایتهای بسیاری وارد شده که از جمله آنها می‌توان به روایت زیر که از حضرت ابا عبدالله الحسین (ع) نقل شده اشاره کرد: «فی القائم منا سنن من الانبیاء: سنه من نوح، و سنه من ابراهیم، و سنه من موسی و سنه من عیسی، و سنه من ایوب و سنه من محمد (ص). فاما من نوح: فطول العمر و اما من ابراهیم: فحفاء الولاده و اعتزال الناس و اما من موسی: فالخوف والغیبه و اما من عیسی: فاخلاف الناس فیه، و اما من ایوب: فالفرج بعد البلوی و اما من محمد (ص) فالخروج بالسيف». [۱۱]. در قائم ما (اهل بیت) سنتهایی از پیامبران الهی وجود دارد: سنتی از نوح، سنتی از ابراهیم، سنتی از عیسی، سنتی از ایوب: و سنتی از محمد (ص) از نوح طول عمر، از ابراهیم پوشیده ماندن ولادت و کناره‌گیری از مردم، از موسی، ترس و غیبت از جامعه، از عیسی اختلاف مردم درباره او، از ایوب گشایش بعد از سختیها و بلایا، و از محمد (ص) قیام با شمشیر را.

سخنان معصومان درباره امام مهدی (عج)

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم: «لو لم یبق من الدهر الا- يوم لبعث الله تعالی رجلا- من اهل بیتی یملوها عدلا کما ملئت جورا» اگر از دنیا جز یک روز باقی نماند خداوند از خاندان من مردی را برانگیزد که آن را پر از عدل و داد کند همچنان که پر از جور و ستم شده باشد. امام علی علیه السلام: «انتظروا الفرج و لا- تياسوا من روح الله فان احب الاعمال الی الله عز و جل انتظار الفرج» ظهور فرج [قائم آل محمد (ص)] را منتظر باشید و از رحمت خداوند ناامید نباشید، که محبوبترین اعمال نزد خداوند انتظار فرج است. امام علی علیه السلام: «لو قد قام قائمنا لا نزلت السماء قطرها و لا خرجت الارض نباتها و لذهبت الشحنا من قلوب العباد و اصطلحت السباع و البهائم» اگر قائم ما (آل محمد) قیام کند، آسمان قطرات خود را فرو فرستد و زمین گیاهان خود را بیرون دهد و کینه‌ها از سینه‌ها بیرون رود و ددان و چهارپایان در صلح و صفا باشند. امام حسین علیه السلام: «اما ان الصابر فی غیبه علی الاذی و التکذیب بمنزله المجاهد بالسيف بین یدی رسول الله (ص)» هان صبر کنندگان بر اذیت و آزار و تکذیب دشمنان در زمان غیبت قائم آل محمد (علیه السلام) مانند مجاهدانی هستند که همراه پیامبر با شمشیر پیکار می‌کنند. امام سجاد علیه السلام: «اذا قام القائم اذهب الله عن کل مومن العاهه و رد الیه قوته» زمانی که قائم آل محمد (علیه السلام) قیام کند خداوند رحمان، مایه فساد را از مومنان برطرف می‌سازد و توانائی و اقتدار گرفته شده را به افراد با ایمان باز می‌گرداند. امام باقر علیه السلام: «القائم منا منصور بالرعب موبد بالنصر... و تظهر له الکنوز... فلا- یبقی فی الارض خراب الا- عمر» قائم ما (آل محمد) با ترس در دل دشمنان پیروز و با نصرت (حق) تایید شود... گنجها برای او نمایان گردد... و (آن زمان) در زمین هیچ جای خرابی نماند جز آن که آن را آباد گرداند. امام باقر علیه السلام: «اذا قام القائم جات المزامله و یاتی الرجل الی کیس اخیه فیاخذ حاجته لا یمنعه» به هنگام ظهور حضرت مهدی (علیه السلام) آنچه هست دوستی و همکاری و یگانگی است تا آنجا که هر کس هر چه نیاز دارد از جیب دیگری بر می‌دارد بدون هیچ ممانعتی. امام صادق علیه السلام: «من سره ان یکون من اصحاب القائم فلیتظر و لیعمل بالورع و محاسن الاخلاق و هو منتظر فان مات و قام القائم بعده کان له من الاجر مثل اجر من ادرکه فجدا و انتظروا هنیئا لکم ایتها العصابه المرحومه» هر کس که بودن در شمار

یاران قائم (عج) او را شادمان سازد باید به انتظار باشد و باید با پرهیزکاری و اخلاق نیکو رفتار کند. پس اگر اجلس فرا رسد و امام قائم (علیه السلام) پس از درگذشت او قیام کند، بهره او از پاداش برابر با پاداش کسی است که آن حضرت را درک کرده باشد. پس بکوشید و منتظر باشید گوارا باد شما را ای گروه بخشوده. امام صادق علیه السلام: «من مات منکم و هو منتظر لهذا الامر کمن هو مع القائم فی فسطاطه... لا بل کمن قارع معه بسیفه... لا والله الا کمن استشهد مع رسول الله (صلی الله علیه و آله)» هر که در انتظار حکومت قائم درگذرد، همچون کسی است که در اردوی حضرت قائم (علیه السلام) است یا حتی همچون کسی است که با شمشیر همراه او می‌جنگد، نه به خدا سوگند همچون کسی است که در رکاب پیامبر اکرم به شهادت رسیده باشد. امام حسن عسکری علیه السلام: «ان ابني هو القائم من بعدی یجری فیه سنن الانبیاء: بالتعمیر و الغیبه حتی تقسو قلوب لطول الآمد و لا یثب علی القول به الا من کتب الله عز و جل فی قلبه الایمان و ایده بروح منه» پس از من فرزندم قائم است و اوست که مانند پیامبران، عمری دراز و غیبت خواهد داشت در غیبت طولانی او دل‌هایی تیره گردد. فقط کسانی در اعتقاد به او پای بر جا خواهند ماند که خداوند عز و جل دل آنان را به فروغ ایمان ثابت و آنان را با مدد خویش موید گرداند. امام حسن عسکری علیه السلام: «... لا ن طاعه آخرنا کطاعه اولنا و المنکر لا- خرنا کالمنکر لا- ولنا اما ان لولدی غیبه یرتاب فیها الناس الا من عصمه الله عز و جل»... فرمانبری از آخرین ما همچون فرمانبری از نخستین ماست و انکار آخرین ما بسان انکار نخستین ماست. هان که فرزند من غیبتی خواهد داشت که مردم در آن دچار تردید خواهند شد مگر آن کسی که خدای عز و جل حفظش کند..

امام مهدی در کلام نبی

آنگاه که گردآمدگان در غدیر خم، چشم بر دهان محمد مصطفی (ص) دوختند تا در جمع یکصد و بیست هزار نفری خود، سخنانش را بشنوند. نبی اکرم (ص) پس از حمد و ثنای خداوند و دعوت مردم به سوی خاندان گرامی نبوت و چنگ زدن به ریسمان ولایت علی بن ابیطالب (ع) فرمودند: «ای گروه مردمان! آن نور خدای تبارک و تعالی در من قرار گرفت و پس از آن در وجود علی (ع)، آنگاه از او در نسلش تا «قائم المهدی (ع)» که باز گیرنده حق است و جلب‌کننده همه حقوق از دست رفته ما. - «الا و ان خاتم الاوصیاء منا القائم المهدی. آگاه باشید که خاتم اوصیاء مهدی قائم (ع) از ماست. - «الا انه الظاهر علی الدین کله. آگاه باشید که او بر همه ادیان پیروز می‌شود. - «الا- انه المنتقم من الظالمین. آگاه باشید که او انتقامگیر از ستمگران است. - «الا- انه فاتح الحصون و هادمها». آگاه باشید که گشاینده و درهم‌کوبنده مرزهاست. «الا انه مدرک بکل ثار لاولیاء الله عز و جل. آگاه باشید که او خونخواه همه بندگان صالح خداست. - «الا- انه قاتل کل قبیله من اهل الشرک. آگاه باشید که او کشنده هر قبیله‌ای از مشرکان است. - «الا- انه الغراف من البحر العمیق. آگاه باشید که او نهری خروشان از اقیانوسی بیکران است. - «... آگاه باشید که او یاور دین خدای تبارک و تعالی است. - «... آگاه باشید که او هر دانشمندی را به دانش و هر نادانی را به نادانی می‌شناسد. - «... آگاه باشید که او برگزیده و انتخاب‌شده خداوند است. - «... آگاه باشید که او وارث هر دانش و دربرگیرنده آن است. - «... آگاه باشید که او آنچه بگوید از پروردگارش می‌گوید و هشداردهنده به امر ایمان است. - «... آگاه باشید که او رشید و کامل و نیرومند و متین است. - «... آگاه باشید که فرمانروایی جهان هستی به او واگذار شده است. - «... آگاه باشید که هر کس از (پیامبران و امامان) پیش از او، نوید آمدنش را داده‌اند. - «... آگاه باشید که او تنها حجت بازمانده خداوند است، بعد از او حجتی نیست، حقی جز با او و نوری جز در پیش او نیست. - «... آگاه باشید که احدی بر او چیره نیست و کسی او را شکست ندهد. - «... آگاه باشید که او ولی خدا در روی زمین، و داور او در میان مردم و امین او در آشکار و نهان است.

مهدی موعود از دیدگاه ملاصدرا

اشاره

عبدالرسول هادیان شیرازی اشاره: بحث درباره موعود آخرالزمان مسأله‌ای است که از دیر باز مورد توجه اندیشمندان و متفکران دینی بوده است. و هر کس بسته به ذوق و استعداد خود به گوشه یا گوشه‌هایی از زوایای مختلف آن توجه کرده است. در این نوشتار به بررسی دیدگاه عالم ربانی و حکیم الهی محمد بن ابراهیم، صدرالدین شیرازی (معروف به صدرالمآلهین و ملاصدرا) می‌پردازیم.

زمین هیچ گاه از حجت الهی خالی نیست

ملاصدرا معتقد است، بر پیامبر واجب است که برای بعد از خود جانشینانی قرار دهد، و باید به گونه‌ای درباره آنها تصریح کند که جایی برای شک و طعن باقی نماند، زیرا وجود مادی آنها برای همیشه باقی نیست، بناچار باید آشکارا به وجود امامی تصریح کند که امت بدان اقتدا نماید. [۱۲] همچنین باید دانست که زمین هیچ گاه از حجت الهی خالی نیست، و با رفتن هر کدام، نوبت دیگری می‌رسد. ایشان برای این مدعا به این آیه استشهاد می‌کنند: و لقد أرسلنا نوحاً و إبراهیم و جعلنا فی ذریتهما النبوة و الکتاب فمنهم مهتد و کثیر منهم فاسقون ثم قفینا علی آثارهم برسلنا، و قفینا بعیسی بن مریم و آتیناه الإنجیل... [۱۳]. ما نوح و ابراهیم را فرستادیم، و در فرزندان آنها نبوت و کتاب را قرار دادیم، پس از آن بعضی از آنها هدایت یافتند و بسیاری از آنها فاسق شدند. سپس به دنبال آنها رسولان دیگر خود را فرستادیم، پس از آن عیسی بن مریم را مبعوث کردیم و به او انجیل عطا کردیم. بیان ملاصدرا در ذیل این آیه چنین است: این آیه دلیل بر این است که زمان از کسی که قیام کند و حجت خدا بر خلقش باشد، خالی نیست، این سنت الهی از زمان نوح و آدم و آل ابراهیم تا زمان پیامبر ما جاری بوده و سنت الهی تبدیل نمی‌شود. با تمام شدن نبوت آن ولایتی که باطن نبوت است، تا روز قیامت باقی است. پس بناچار بعد از سپری شدن زمان رسالت، لازم است ولی و سرپرستی باشد که با کشف شهودی و بدون یادگیری از خلق، خدا را عبادت کند، و نزد او منبع تمام دانشهای دانشمندان و مجتهدان موجود است، و در امر دین و دنیای مردم ریاست دارد، و از جانب خدا، مردم را به فطرتشان دعوت می‌کند، چه مردم اطاعت کنند چه نکنند، و یا؛ لا پ دعوت او را اجابت کنند یا او را انکار نمایند، و فرقی نمی‌کند آن ولی ظاهر باشد و دیگران او را ببینند، و یا همچون بسیاری از ائمه طاهرین از دیده‌ها پوشیده و پنهان باشد. [۱۴]. شاهد این مطلب فرمایش علی، علیه‌السلام، به کمیل است که پس از بیان فضیلت علم و ارزش علما می‌فرماید: اللَّهُم بلی! لا- تخلوا الأرض من قائم لله بحجة، ظاهراً و مشهوراً، أو مستتراً مغموراً لئلا تبطل حجج الله و بیناته، کم ذا و این أولئک؟ أولئک واللّه الأقلون عدداً، الأعظمون خطراً، بهم یحفظ الله حجه و بیناته حتی یودعوها نظرائهم، و یزرعوها فی قلوب أشباههم. هجم بهم العلم علی حقیقه البصیره و باشرُوا روح الیقین، و استلنوا ما استوعره المترفون، و أنسوا بما استوحش منه الجاهلون، صحبوا الدنیا بأبدان ارواحها معلقة بالمحل الأعلى؛ أولئک خلفاء الله فی أرضه، والدعاء إلی دینه. آه! آه! شوقاً إلی رؤیتهم. بار خدایا! آری، زمین از قیام کننده برای خدا به وسیله حجت و دلیل، خالی نمی‌ماند، یا آشکار و مشهور است، یا پنهان و مجهول، تا اینکه حجتها و دلیلهای خدا از بین نرود. اینها چند نفرند؟ و کجا هستند؟ سوگند به خدا که اینها از نظر شمارش اندک هستند و از نظر منزلت و بزرگی، بسیار بزرگوار و بلند مرتبه‌اند. به وسیله اینها حجت و دلیلهای روشن خدا حفظ می‌شود تا آن را به همانند آنها بسپارند، و آن را در قلبهای همانند آنها کشت نمایند. علم و دانش با بصیرت حقیقی به اینها روی آورده، و روح یقین را به کار بسته‌اند. آنچه را که اشخاص خوش گذران سخت می‌گیرند، اینها آسان می‌گیرند. و به آنچه که افراد نادان از آن وحشت دارند، انس گرفته‌اند به وسیله بدنهایی که ارواح آن به جای بسیار بلندی آویخته، در دنیا زندگی می‌کنند. اینها جانشینان خدا در زمینش هستند که به سوی دین او دعوت می‌کنند. آه! آه! چه بسیار مشتاق دیدار آنها هستیم. [۱۵]. صدرالمآلهین پس از بیان علی، علیه‌السلام، نتایجی به شرح زیر می‌گیرند: اول: عالم حقیقی ولایت و ریاست در دین دارد. دوم: سلسله عرفان به

خدا و ولایت مطلقه هیچگاه قطع نمی‌شود. سوم: آبادی جهان و انسانها و سایر حیوانات و همه موجودات به خاطر وجود آن عالم ربانی است. چهارم: آن حجت الهی واجب نیست ظاهر باشد و چه بسا پنهان باشد. پنجم: اولیای خاص الهی، با الهام از خداوند، علوم و معارف را کسب می‌کنند. ششم: با این اوصاف شرافت حکمت الهی و منزلت صاحبان روشن می‌شود که چگونه علی، علیه‌السلام، مشتاق لقای آنهاست. [۱۶].

شرایط امامت و تعیین مصداق

امام منصوب از جانب خدا باید از گناهان پاک باشد، و باید دارای اوصاف کمالیه‌ای همچون علم، قدرت، شجاعت، کرم، زهد، مروت، و فصاحت در حد اعجاز باشد که اجتماع همه آنها در یک نفر کمیاب باشد و با آن شایسته خلافت در زمین و سپس آسمان شود. همچنین امام باید از نقصها و عیبهای نفسانی که با خلافت جمع نمی‌شود، همچون کفر، جهل، سفاهت، تندخویی، کبر و نفاق و از امراض بدنی پاک باشد. صدر المتألهین پس از بیان این اوصاف می‌گوید: پس از رسول خدا، صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّمَ، هیچ کس جز علی بن ابی طالب - برادر و پسر عموی پیامبر - دارای چنین فضایل و کمالاتی نبود. و برای اثبات این مدعا، سه دلیل ذکر می‌کند: دلیل اول، کلام خدا که می‌فرماید: لَا یُنَالُ عَهْدُ الظَّالِمِینَ. [۱۷]. عهد من به ظالمان نمی‌رسد. دلیل دوم، آیه شریفه: إِنَّمَا وَلِیْکُمُ اللّٰهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِینَ یَقِیْمُونَ الصَّلَاةَ وَیُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُم رَاکِعُونَ. [۱۸]. تنها ولی شما خدا و رسول او، و کسانی هستند که نماز را بر پا می‌دارند و در حال رکوع زکات می‌پردازند. دلیل سوم، تصریح به ولایت علی، علیه‌السلام، در حجة‌الوداع، و احادیث دیگری که از پیامبر رسیده است. سپس می‌گوید: بعد از علی، علیه‌السلام، اولاد معصومش که این صفات در آنها جمع است، شایستگی ولایت دارند تا برسد به صاحب این زمان، حضرت مهدی، عَجَل اللّٰهُ تَعَالٰی فَرَجَهُ، که به قسط و عدل قیام می‌کند، زیرا بوسیله او زمین از عدل و قسط پر می‌شود، پس از آنکه از ظلم و جور پر شده است. پس وجود آن حضرت ثمره عالم و کمال آن است و با از بین رفتن او همه چیز زایل می‌شود. زیرا ثابت شده که وجود انسان کامل علت غایی این عالم است. و این مباحث از راه تتبع در آثار و اخبار به دست می‌آید، نه از طریق مباحث کلامی و استدلال. [۱۹]. همچنین در شرح اصول کافی، پس از ذکر روایاتی که دلالت دارد که ائمه دوازده نفرند، در جمع‌بندی می‌گوید: تمام این روایات سندشان از طریق اهل سنت ذکر شده و در کتب صحاح آنها، همه آنها ثابت است. و در ذیل روایت دیگری درباره حضرت مهدی، از شارح «مشکوٰۃ» نقل می‌کند که: این احادیث و امثال آن، دلیل روشنی است بر این که خلافت مختص به قریش است و برای غیر آنها جایز نیست، و پیامبر اکرم، صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّمَ، نیز فرموده این حکم تا آخر روزگار است، و کسی که در عقلش آفتی نباشد، و جلو چشمان بصیرتش حجابی نباشد، می‌داند که این روایات متواتر و صحیح دلالت دارد که جانشینان پیامبر دوازده نفرند که همه از قریش هستند، و دین الهی و اسلام را تا قیامت پیاپی دارند، و جز ائمه شیعه امامیه کسی چنین صفاتی ندارد. [۲۰].

فضیلت اهل بیت

اعتقاد ملاصدرا این است که انسانها از لحاظ درجه روحی و در شدت و ضعف با هم متفاوتند. [۲۱] بالاترین مرتبه کمال روحی روح انبیاست، و در میان پیامبران نیز شریف‌ترین روح، روح خاتم آنهاست، سپس روح اولیای الهی و اهل پیامبر که سلسله آنها تا زمان حضرت مهدی ادامه دارد. [۲۲]. اولیای الهی و علمای بعد از پیامبر تا قیام مهدی، و حتی کسانی که قبل از پیامبر بوده‌اند از راه باطنی، از روح پیامبر، صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّمَ، بهره می‌جویند. [۲۳]. همچنین در دست این بزرگواران کتاب جفر و جامعه به ودیعه گذاشته شده و تا ظهور حضرت مهدی، عَجَل اللّٰهُ تَعَالٰی فَرَجَهُ، از هر امامی به امام دیگر می‌رسد، و هر چه حلال و حرام خداست و هر چه انسان بدان محتاج است، در آن وجود دارد. [۲۴].

ایمان به حضرت مهدی ایمان به غیبت است

بر اساس بسیاری از روایات آخرین سلسله امامت به حضرت مهدی، عجل الله تعالی فرجه، می‌رسد بر همین اساس ایشان تصریح می‌کند که علمای امامیه اتفاق نظر دارند که امام زمان ما، همان مهدی است که ظهورش در آخرالزمان وعده داده شده است. و بنا بر [۲۵] بعضی روایات که از اصحاب ما رسیده است، مراد به «الذین یؤمنون بالغیب» زمان غیبت و زمان قیام [۲۶] آن حضرت است که قرآن و روایات از آن خبر داده است. [۲۷].

ویژگی‌های حضرت مهدی در هنگام ظهور

از مطالبی که بیان شد، روشن می‌شود که کارهایی که در زمان ظهور حضرت مهدی، علیه السلام، تحقق می‌یابد کاملاً با خواسته‌های پیامبر اسلام منطبق است، زیرا بین این دو، به وسیله امری باطنی ارتباط وجود دارد، و به همین جهت اهداف وحی و نبوت، در زمان ظهور آن حضرت تحقق می‌یابد، و شعاع خورشید حقیقت همه جا را فرا می‌گیرد. در آن روز نور دین و توحید الهی ظهور پیدا می‌کند و ظلمت‌های شرک ابلیسی غروب می‌کند، باطل بکلی رخت بر می‌بندد، زیرا بعد از آنکه زمین از ظلم و جور پر شده است، خداوند به وسیله او زمین را از قسط و عدل پر می‌کند. [۲۸]. از ویژگی‌های زمان ظهور این است که اختلاف بین اهل ظاهر برطرف می‌شود، و اجتهاد و کلام از بین می‌رود و احکام مختلف در یک مسئله تبدیل به یک حکم می‌شود، و آن هم همان حکمی است که در علم خدای سبحان است، و همچون زمان رسول خدا مذهبها به یک مذهب تبدیل می‌شود، چون این مطابق علم الهی است. بنابراین، اگر اجماع فقها در یک فتوا مخالف کشف صحیح باشد، حجت نیست، هر چند که مطابق صراحت روایات باشد. بر اساس این مبنا، اگر کسی از راه کشف صحیح به حکمی از احکام الهی پی برد؛ و در انجام اعمال، با اجماع فتاوی اهل ظاهر مخالفت کند، در این مخالفت ملامتی نیست و از شریعت خارج نشده است، چون از راه باطن کلام پیامبر و باطن کتاب و سنت را به دست آورده است. [۲۹].

صدر المتألهین و مسئله رجعت

در روایاتی از اهل بیت، علیهم السلام، آمده است که خداوند گروهی از مردگان را به همان صورتی که بوده‌اند، به این دنیا برمی‌گرداند. این واقعه نسبت به کسانی است که در مراتب بالایی از ایمان و یا در نهایت فساد باشند، و در زمان قیام حضرت مهدی، عجل الله تعالی فرجه، اتفاق می‌افتد. این همان معنای «رجعت» است، و از دیر باز مورد اختلاف علمای دین بوده است. نظر صدر المتألهین این است که با توجه به روایات زیاد و صحیحی که از امامان و بزرگان از اهل بیت رسیده است، مذهب رجعت حق است و هنگام ظهور قائم آل محمد تحقق می‌یابد. در این باره مانع عقلی هم وجود ندارد، چون شبیه به آن در زنده شدن مردگان با اذن خداوند و به دست پیامبرانی همچون حضرت عیسی و شمعون اتفاق افتاده است. [۳۰].

اهل سنت و مسئله امامت و مهدویت

صدر المتألهین با ذکر دو نظریه از اهل سنت درباره امامت و حضرت مهدی، هر دو را رد می‌کند. درباره امامت، با تعجب می‌گوید: اینها امام را به پادشاهان دنیوی و قدرتمندان حمل کرده‌اند، چه عالم باشند، چه جاهل، چه عادل باشند، چه فاسق. سپس بر آنها خرده می‌گیرد که با توجه به اینکه در روایات آمده است: من مات و لم یعرف إمام زمانه، مات میتة الجاهلیة کسی که بمیرد و امام زمانش را نشناسد به مرگ جاهلی مرده است. حال برای شناخت این امام جاهل و فاسق چه ثمره‌ای وجود دارد که اگر کسی

بمیرد و آن را نشناسد به مرگ جاهلیت مرده است؟ [۳۱]. اما درباره حضرت مهدی، عجل الله تعالی فرجه، نیز آنها وجود آن حضرت و بقایش را تا این زمان بعید می‌شمارند. ایشان در جواب می‌گویند: این استبعاد در نهایت سقوط است، زیرا دلایل طبی و نجومی محال بودن بقای انسان بعد از ۱۲۰ سال را درست نمی‌داند، و همچنین ما مواردی از گذشتگان را سراغ داریم که عمرهای طولانی داشته‌اند؛ مثل آدم و نوح و امثال آن دو و همچنین دجال لعین که عمرش از زمان رسول خدا تا وقت خروج مهدی ادامه دارد. [۳۲] با توجه به مطالبی که بیان شد، اعتقاد مرحوم صدر المتألهین به مهدی موعود، علیه السلام، و ظهور آن حضرت و همچنین مسأله رجعت، بر پایه آیات الهی و روایات معصومین، بنا نهاده شده و با عقل سلیم نیز هماهنگ است. همچنانکه در بعضی مباحث، برای اثبات مدعای خود از برهان عقلی استفاده کرده است.

نظرة فی احادیث المهدی

الشیخ محمد الخضر حسینوردت احادیث تنبیء بظهور رجل فی آخر الزمان یمیز العدل ویحکم الناس بالشریعة، وسمی فی بعض هذه الاحادیث بالمهدی، وکثیراً ما یتشوف الناس الی ان یقفوا علی حقیقة هذه حقیقة هذه الاحادیث الواردة فی شأنه، و یعرفوا موقعها من الصحة، ولا سیما عندما یقوم شخص یدعی المهدویة، او تحدث حادثة غریبة کحادثه هذه الایام، تدعو الناس الی انی یجعلوا لها نصیباً من الحدیث فی مجالسهم. ذلک ما دعانی - بصفه انی کنت مدرساً للحدیث وعلوم الحدیث فی کلیة اصول الدین - الی ان اعرض فی هذه المحاضرة ما وصل الیه بحثی، واستقر علیه نظری فی هذه القضية، مستنداً الی القواعد الصحیحة الی توضع کل حدیث موضعه، غیر قابل عما یترب علی بعض الاعتقادات من فساد فی العلم، او یجول فی النفس من شبه یشیرها الوهم، فأقول: الأحادیث النبویة فی العلم، ما یسمی بالحدیث المتواتر، وهو ما یرویه عن النبی صلی الله علیه وآله وسلم جماعه یمستحیل فی العادة تواطؤهم علی الکذب، ومنها خبر الآحاد، وهو ما یرویه الثقة العدل عن النبی صلی الله علیه وآله وسلم. وما یدعو الیه الدین الحق: اما ان یمکن أصلاً من أصول الدین، أی لا تتم حقیقة الایمان الا به، وهذا لا یمکن علیه الا بالحدیث المتواتر؛ واما أن یمکن حکماً عملياً، کأن یمکن هذا واجب او حرام او جائز. وهذا موضع الاحتجاج بخبر الآحاد. ویلحق بالأحكام العملیة فی صحة الاحتجاج علیه بخبر الآحاد اشياء یمکن بها الشارع لیملمها الناس من غیر ان یتوقف صحة ایمانهم علی معرفتها. ومن هذا القبیل حدیث المهدی، فاذا ورد حدیث صحیح عن النبی صلی الله علیه وآله وسلم بأنه سیقع فی آخر الزمان کذا، حصل به العلم، ووجب الوقوف عنده من غیر حاجة الی ان یمکن رواة هذا الحدیث حتی یمکن مبلغ التواتر. والاحادیث الواردة فی شأن المهدی علی وجهین: احادیث صرح فيها بأسم المهدی کحدیث ابی سعید الخدری رضی الله عنه: (المهدی منی أجلی الجبهة اقنی الأنف یملاً الارض قسطاً وعدلاً)، واحادیث لم یصرح فيها بهذا الاسم، وانما اشیر الیه فيها بصفات خاصة کحدیث: (لو لم یبق من الدهر الا یوم لبعث الله رجلاً من أهل بیتی یملاًها عدلاً کما ملئت جوراً). ولم یرو فی الجامع الصحیح للإمام البخاری حدیث فی شأن المهدی، وانما ورد فی صحیح مسلم حدیث لم یصرح فیهِ باسمه، وحمله بعضهم علی ان المراد منه المهدی المصرح به فی غیره من کتب السنة؛ وهو حدیث جابر بن عبد الله الانصاری اذ قال: قال رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم (یکون فی آخر أمتی خلیفه یحیی المال حیثاً لا یمده عدلاً)، وفی روایة عن جابر وابی سعید الخدری فی مسلم ایضاً: (یکون فی آخر الزمان خلیفه یمقسم المال ولا یمده). وقد روى احادیث المهدی المصرح فيها باسم المهدی او المشار فیها الی بعض صفاته بقیة کتب الحدیث، فرواها: الامام احمد بن حنبل والحاکم وابو داود والترمذی وابن ماجه والطبرانی وابو نعیم وابن ابی شیبة وابو یعلی والدارقطنی والبیهقی ونعیم بن حماد وغیرهم. وجمعت هذه الاحادیث فی رسائل مستقلة، مثل: «العرف الوردی فی اخبار المهدی» للسیوطی و«القول المختصر فی علامات المهدی المنتظر» لابن حجر الهیثمی و«المورد الوردی فی حقیقة المهدی» لملا علی قاری و«التوضیح فی تواتر ما جاء فی المنتظر والدجال والمسیح» للشوکانی... وأول من اتجه الی نقد احادیث المهدی فیما عرفنا ابو زید عبد الرحمن بن خلدون، فقد ذکر فی مقدمه تاریخه ان فی الناس من انکروا احادیث

المهدی وتكلموا فيها، واورد منها ثمانية وعشرين حديثاً. وقد منعه ما اعتاده من تحقيق البحث في القضايا العلمية ان يحكم عليها كما يفعل غير اهل العلم بأنها غير ثابتة، بل تصدى الى نقدها بنقل ما قدح به اهل الفن في بعض روايتها، واورد من بينها حديث ابى سعيد الخدرى قال: قال رسول الله صلى الله عليه واله وسلم: (لا تقوم الساعة حتى تملأ الارض جوراً وظلماً وعدواناً، ثم يخرج من اهل بيتي رجل يملؤها قسطاً وعدلاً كما ملئت ظلماً وعدواناً)، وقال: هذا الحديث رواه الحاكم، وقال: هذا صحيح على شرط الشيخين - يعنى البخارى ومسلماً - ولم يخرجها، واورد فيها ما رواه الحاكم ايضا عن ابى سعيد الخدرى عن رسول الله صلى الله عليه واله وسلم قال: (يخرج فى آخر امتي المهدى يسقيه الله الغيث، وتخرج الارض من نباتها، ويعطى المال صحاحاً، وتكثر الماشية، وتعظم الامم، يعيش سبعاً او ثمانياً) يعنى حججاً. وقال الحاكم فى هذا الحديث: صحيح الاسناد ولم يخرجها، يعنى البخارى ومسلماً. ثم اعترف ابن خلدون بعد بأن بعض الاحاديث خلص من النقد اذ قال: فهذه جملة الاحاديث التى خرجها الائمة فى شأن المهدى وخروجه آخر الزمان كما رأيت، لم يخلص منها من النقد الا القليل والاقل منه. ونحن نقول: متى تثبت حديث واحد من هذه الاحاديث وسلم من النقد، كفى فى العلم بما تضمنه من ظهور رجل فى آخر الزمان يسوس الناس بالشرع، ويحكمهم بالعدل، اذ أريناك ان مسألة المهدى لم تكن من قبيل العقائد التى لا تثبت الا بالادلة القاطعة. والصحابة الذين رويت من طريقهم احاديث المهدى نحو (٢٧) صحابياً رضى الله عنهم منه ابو سعيد الخدرى، وعبد الله بن مسعود، وعلى بن ابى طالب، وابو هريرة، وانس بن مالك، وجابر بن عبد الله الانصارى، وام سلمة وعبد الله بن عمرو بن العاص، وعمار بن ياسر، والعباس بن عبد المطلب، وتميم الدارى، وابن عباس. والواقع ان احاديث المهدى بعد تنقيتها من الموضوع والضعيف القريب منه، فان الباقي منها لا يستطيع العالم الباحث على بصيرة ان يصرف عنه نظره، كما يصرفه عن الاحاديث الموضوعه. وقد صرح الشوكانى فى رسالته المشار اليها آنفاً بأن هذه الاحاديث بلغت مبلغ التواتر فقال: (والاحاديث الواردة فى المهدى التى امكن الوقوف عليها، منها خمسون فيها الصحيح والحسن والضعيف المتجبر، وهى متواترة بلا شك، بل يصدق وصف التواتر على ما دونها على جميع الاصطلاحات المحررة فى الاصول). يقول بعض المنكرين لاحاديث المهدى جملة: ان هذه الاحاديث من وضع الشيعة لا محالة، ويرد هذا بأن هذه الاحاديث مروية بأسانيدھا. منها ما تقصينا رجال سنده، فوجدناه ممن عرفوا بالعدالة والضبط، ولم يتهم احد من رجال التعديل والتجريح بتشيع مع شهرة نقدھم للرجال. وقال ابن خلدون: وربما تمسك المنكرون لشأن المهدى بما رواه محمد بن خالد الجندى عن أبان بن صالح عن الحسن البصرى عن انس بن مالك عن النبى صلى الله عليه واله وسلم انه قال (لا مهدى الا عيسى). وهذا حديث مصنوع فقد قال نقاد الاسانيد كالحاكم: ان محمد بن خالد رجل مجهول. وقال ابن عبد البر: انه متروك. وقال الازدى: منكر الحديث، وأخذ فى مثل هذا بقول ابن حزم: اذا كان فى سند الحديث رجل مجروح بكذب، او غفلة، او مجهول الحال، لا يحل عندنا القول به، ولا تصديقه، ولا الاخذ بشيء منه. وقد اتخذ مسألة المهدى كثير من القائمين لانشاء دول، وسيلة الى الوصول الى غاياتھم، فادعوا المهدوية لتهافت الناس على الالتفاف حولھم، فالدولة الفاطمية قامت على هذه الدعوة، اذ زعم مؤسسھا عبيد الله انه المهدى. ودولة الموحدين جرت على هذه الدعوة، فان مؤسسھا محمد بن تومرت اقام امره على هذه الدعوة. وظهر فى ايام الدولة المرينية بفاس رجل يدعى التوزرى، واجتمع حوله رؤساء صنهاجة وقتله المصامدة. وقام رجل اسمه العباس سنة ٦٩٠ هـ فى نواحي الريف من المغرب وزعم انه المهدى، واتبعه جماعة، وآل امره الى ان قتل وانقطعت دعوتھ. وبعد ثورة احمد عرابى بمصر ظهر فى السودان رجل يسمى محمد احمد ادعى انه المهدى، واتبعته قبيلة البقارة عن جهينہ على انه المهدى سنة ١٣٠٠ هـ وهو الذى خلفه بعد موته التعايشى احد زعماء قبيلة البقارة. والفرقة الكيسانية يجعلون المهدى محمد بن الحنفية، ويزعمون انه مختف فى جبل رضوى بين المدينة وينبع. والشيعة الامامية يقولون: ان محمد بن الحسن العسكرى هو المهدى المنتظر، ويزعمون انه اختفى فى سرداب بالحلة من بلاد العراق فى اواخر القرن الخامس الهجرى. واذا اساء الناس فهم حديث نبوى، او لم يحسنوا تطبيقه على وجهه الصحيح، حتى وقعت وراء ذلك مفسد، فلا ينبغى ان يكون ذل داعياً الى الشك فى صحة الحديث، او المبادرة الى انكاره، فان النبوة واقعة بلا شبهة، وقد ادعاها اناس كذباً وافتراء، وأخلوا بدعواھم كثيراً من الناس، مثل ما يفعل طائفة القاديانية اليوم.

واللهیة ثابتة بأوضح من الشمس فی کبد السماء، وقد ادعاها قوم لزعمائهم علی ان الله - جل شأنه - یحل فیهم، مثلما یفعل طائفة البهائیة فی هذا العهد فلیس من الصواب انکار الحق من اجل ما الصق به من باطل. والخلاصة: ان احادیث المهدی ما یعد فی الحدیث الصحیح، وبما انی درست علم الحدیث، ووقفت علی ما یمیز به الطیب من الخبیث ارانی ملجأ الی ان اقول كما قال رجال الحدیث من قبلی: ان قضیة المهدی لیست بقضیة مصطنعة. ولا اترك مکانی هذا حتی انبه علی انه لم یرد، ولو فی الاحادیث الموضوعة، ان المهدی یولد من غیر اب. وانه علی ان الحدیث الذی ذکره ابو بکر الاسکافی فی کتاب (فوائد الاخبار) موضوع، وهو حدیث: (من کفر بالمهدی فقد کفر) وابو بکر الاسکافی من المتهمین بوضع الاحادیث: «سبحانک لا علم لنا الا ما علمتنا انک انت العلیم الحکیم».

بعض ما ورد فی احادیث الاصحاب والتابعین حول الامام المهدی

مر علینا فی الفصول السابقة أحادیث الرسول الأعظم (صلی الله علیه وآله) والأئمة الأطهار (علیهم السلام) فی الإمام المهدی (صلوات الله وسلامه علیه)، ونقدم فی هذا الفصل کلمات کبار الصحابة والتابعین (رضوان الله علیهم) فیهم (علیه السلام)، وإجماعهم علی ظهوره وتسالمهم علی قیامه، نورد لكل منهم کلمة واحدة: ۱- قال جابر بن عبد الله الأنصاری فی الإمام زین العابدین (علیه السلام): ما رؤی فی أولاد الأنبیاء مثل علی بن الحسین إلا یوسف بن یعقوب، والله لذریة علی بن الحسین أفضل من ذریة یوسف بن یعقوب، وإن منهم لمن یملاً الأرض عدلاً كما ملئت جوراً. (بحار الأنوار ۱۹: ۱۱) ۲- لما دخل سلمان (رضی الله عنه) الکوفة ونظر إلیها، وذكر ما یشکون من بلائها، حتی ذکر ملک بنی أمیة والذین من بعدهم. قال: فإذا کان ذلك فالزموا أحلاس بیوتکم حتی یشهر الطاهر ابن الطاهر المطهر، ذو الغیبة الشرید الطرید. (الغیبة للشیخ الطوسی: ۱۱۲) ۳- قال عمار بن یاسر: علامة خروج المهدی انسیاب التریک علیکم، وأن یموت خلیفتکم الذی یجمع لکم الأموال، ویستخلف رجلاً من بعده ضعیفاً یخلع بین سنتین، ویخسف بغربی مسجد دمشق، وخروج ثلاثة نفر بالشام، وخروج أهل المغرب إلی مصر، وتلك أمارة خروج السفینیان. (کشف الأستار: ۱۳۳) ۴- قال عبد الله بن العباس بن عبد المطلب: إنه یملاً الأرض عدلاً كما ملئت جوراً، وتأمّن البهائم والسباع فی زمنه، وتلقى الأرض أفلاذ کبدها - أی مثل الأسطوانة من الذهب والفضة - (الصواعق المحرقة: ۹۹) ۵- قال کعب الأحبار: إني لأجد المهدی مکتوباً فی أسفار التوراة: ما فی عمله ظلم ولا عتب. (الملاحم والفتن: ۸۲) وقال: المهدی خاشع لله کخشوع الزجاجة. (الملاحم والفتن: ۴۷) ۶- قال صعصعة بن صوحان للنزال بن سبرة: إن الذی یصلی خلفه عیسی ابن مریم هو الثانی عشر من العترة، التاسع من ولد الحسین بن علی، وهو الشمس الطالعة من مغربها، یشهر عند الرکن والمقام، یشهر الأرض، ویضع میزان العدل فلا یظلم أحد أحداً. (بحار الأنوار ۱۵۶: ۱۳) ۷- قال طاووس: وددت أني لا أموت حتی أدرك زمان المهدی، یزداد المحسن فی إحسانه ویثاب فیهم علی المسیء. (الملاحم والفتن: ۴۵) ۸- عن قتادة: قال: قلت لسعيد بن المسيب: المهدی حق هو؟ قال: حق. قلت: ممن هو؟ قال: من قریش. قلت: من أی قریش؟ قال: من بنی هاشم بنی عبد المطلب. قلت: من أی عبد المطلب؟ قال: من ولد فاطمة. (الملاحم والفتن: ۴۹) ۹- قال محمد بن سیرین وقد ذکر المهدی (علیه السلام) فقال: فقد کان یفضل علی بعض الأنبیاء. (کشف الأستار: ۱۹۶) ۱۰- قال عمرو بن العاص: علامة خروج المهدی إذا خسف بجیش فی البیداء، فهو علامة خروج المهدی. (منتخب الأثر: ۴۵۹) ۱۱- قال عامر بن شراحیل الشعبي: اعلم أن رواياتنا نحن وأكثر أهل الإسلام أيضاً أن نبینا (صلی الله علیه وآله) قال: لا بد من مهدی من ولد فاطمة ابنته، یشهر فیما الأرض قسطاً وعدلاً كما ملئت من غیره ظلماً وجوراً. (غایة المرام: ۷۰۴) ۱۲- قال محمد بن مسلم الزهری: إذا التقى السفینیان والمهدی للقتال، یومئذ یسمعون من السماء صوتاً: ألا إن أولیاء الله من أصحاب فلان. یعنی المهدی. (منتخب الأثر: ۴۸۱) ۱۳- قال إسماعیل بن عبد الرحمن السدی: یجتمع المهدی وعیسی ابن مریم فیجیء وقت الصلاة فیقول المهدی لعیسی تقدم، فیقول عیسی: أنت أولى بالصلاة، فیصلی عیسی وراءه مأموماً. (تذکره الخواص: ۲۷۷) ۱۴- قال مقاتل بن سلیمان فی تفسیر قوله تعالى: (وَإِنَّهُ لَعِلْمٌ لِلْإِنْسَانِ) إنها نزلت فی المهدی. (المهدی للصدر: ۱۴۱) ۱۵- قال عبد الله بن عمر: إذا خسف بجیش البیداء فهو علامة خروج المهدی. (الملاحم والفتن: ۵۰) ۱۶- قال زید بن علی بن الحسین

(عليهم السلام) لابن بكير: بنا عرف الله، وبنا عبد الله، ونحن السبيل إلى الله، ومنا المصطفى والمرضى، ومنا يكون المهدي قائم هذه الأمة. قلت: يا بن رسول الله هل عهد إليكم رسول الله (صلى الله عليه وآله) متى يقوم قائمكم؟ قال: يا بن بكير إنك لن تلحقه وإن هذا الأمر تليه ستة من الأوصياء بعد هذا، ثم يجعل الله خروج قائمنا فيملؤها قسطاً وعدلاً كما ملئت جوراً وظلماً. (بحار الأنوار ۵۸: ۱۱/ ۱۷). قال محمد ابن الحنفية لمحمد بن بشير في علامات خروج المهدي: إذا رأيت الحاجة قد ظهرت، وقال الرجل بئ الليلة بغير عشاء، وحتى يلقاك بوجه آخر... فعند ذلك تقع الصيحة من قريب. (بحار الأنوار ۱۶۹: ۱۳/ ۱۸). قال علي بن عبد الله بن عباس: لا يخرج المهدي حتى تطلع مع الشمس آية. (بحار الأنوار ۱۶۲: ۱۳/ ۱۹). قال سعيد بن جبیر: السنة التي يقوم فيها المهدي تمطر أربعاً وعشرين مطرة، يرى أثرها وبركتها. (الغيبة لشيخ الطوسي: ۲۸۵)

بعض ما ورد في احاديث الرسول الاكرم حول الامام المهدي

تواتر الحديث عن الرسول الأعظم (صلى الله عليه وآله) في الإمام المهدي (عليه السلام)، وأن اسمه اسم النبي (صلى الله عليه وآله)، وكنيته كنيته، يملأ الأرض قسطاً وعدلاً كما ملئت ظلماً وجوراً. وهذه الأحاديث بكثرة لا يمكن حصرها، وتواتر يقطع بصحتها، فلا يكاد يخلو منها كتاب في الحديث، أو معجم في التراجم والسير، ولو تصدينا لجمع ما أمكن منها لكانت موسوعة كبرى في الحديث، وتمشياً مع هذا المختصر سجلنا منها عشرين حديثاً من أحاديثه (صلى الله عليه وآله) يختلف كل واحد عن الآخر لفظاً ومعنى، أخذناها من عشرين كتاباً وقد حذفنا سند هذه الأحاديث مكثفين بذكر المصدر. وهذا إن دل على شيء فإنما يدل على تواتر حديث المهدي (عليه السلام)، وأن الرسول الأعظم (صلى الله عليه وآله) كان يبشر الأمة الإسلامية بظهوره في كل نادٍ ومحفل، ومنتدى ومجمع، واليك الآن: ۱- قال رسول الله (صلى الله عليه وآله): لن تنقضي الأيام والليالي حتى يبعث الله رجلاً من أهل بيتي يواطئ اسمه اسمي، يملؤها عدلاً وقسطاً، كما ملئت ظلماً وجوراً. (الإرشاد للشيخ المفيد: ۳۷۳) ۲- أخرج أحمد والترمذي وأبو داود وابن ماجه عنه (صلى الله عليه وآله): لو لم يبق من الدنيا إلا يوم لبعث الله فيه رجلاً من أهل بيتي يملؤها عدلاً كما ملئت جوراً. (إسعاف الراغبين بهامش نور الأبصار: ۱۳۴) ۳- عن المعلى بن زياد عن العلاء قال: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله): أبشركم بالمهدي يبعث في أمتي على اختلاف من الناس وزلازل فيملأ الأرض قسطاً وعدلاً كما ملئت جوراً وظلماً، يرضى عنه ساكن السماء وساكن الأرض، يقسم المال صحاحاً. فقال رجل: ما صحاحاً؟ قال: بالسوية بين الناس، ويملاً الله قلوب أمه محمد (صلى الله عليه وآله) غنى، ويسعهم عدله، حتى يأمر منادياً فينادى فيقول: من له في المال حاجة؟ فما يقوم من الناس إلا رجل، فيقول: أنا، فيقول: انت السدان - يعني الخازن - فقل له: إن المهدي يأمرك أن تعطيني مالاً. فيقول له: أحت، حتى إذا جعله في حجره وأبرزه ندم فيقول: كنت أجشع أمه محمد نفساً، أو عجز عني ما وسعهم. قال: فيرده فلا يقبل منه. فيقول: إنا لا نأخذ شيئاً أعطيناك فيكون كذلك سبع سنين أو ثمان سنين أو تسع سنين، ثم لا خير في العيش بعده، أو قال: لا خير في الحياة بعده. (البيان في أخبار صاحب الزمان: ۸۵) ۴- عن سلمان المحدثي قال: دخلت على النبي (صلى الله عليه وآله) والحسين على فخذه وهو يقبل عينيه، ويلثم فاه ويقول: إنك سيد ابن سيد أبو سادة، إنك إمام ابن إمام أبو أئمة، وإنك حجة ابن حجة أبو حجج تسعة من صلبك، تاسعهم قائمهم. (مقتل الحسين للخوارزمي ۱: ۱۴۶) ۵- قال رسول الله (صلى الله عليه وآله) عليه وآله: يخرج في آخر الزمان رجل من ولدي اسمه كاسمي، وكنيته ككنيتي، يملأ الأرض عدلاً كما ملئت جوراً، فذلك هو المهدي. (تذكرة الخواص: ۲۰۴) ۶- قال رسول الله (صلى الله عليه وآله): لا تذهب الأيام والليالي حتى يملك رجل من أهل بيتي يملأ الأرض قسطاً وعدلاً، كما ملئت ظلماً وجوراً. (الملاحم والفتن لابن طاووس: ۱۰۱) ۷- قال رسول الله (صلى الله عليه وآله) لفاطمة (عليها السلام): المهدي من ولدك. (الحديث الرابع من أربعين الحافظ أبي نعيم. انظر كشف الغمة: ۳۲۱) ۸- قال رسول الله (صلى الله عليه وآله) عليه وآله: المهدي منا أهل البيت، يصلحه الله في ليلة. (إكمال الدين ۲۵۶: ۱) ۹- عن أبي هريرة قال: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله) عليه وآله: كيف أنتم إذا نزل ابن مريم فيكم وإمامكم منكم. (صحيح البخاري ۱۷۸: ۲) ۱۰- عن أبي الحسن الرضا عن آبائه (عليهم السلام):

قال: قال النبي (صلى الله عليه وآله): والذي بعثني بالحق بشيراً ليغيين القائم من ولدي بعهد معهود إليه مني، حتى يقول أكثر الناس ما لله في آل محمد (عليه السلام) حاجة، ويشك آخرون في ولادته، فمن أدرك زمانه فليتمسك بدينه ولا يجعل للشيطان إليه سبيلاً بشكه فيزيله عن ملتي، ويخرجه من ديني، فقد أخرج أبويكم من الجنة من قبل، وإن الله عز وجل جعل الشياطين أولياء للذين لا يؤمنون. ١١- أخذ (صلى الله عليه وآله) بيد علي فقال: يخرج من صلب هذا فتى يملأ الأرض قسطاً وعدلاً. فإذا رأيتم ذلك فعليكم بالفتى التيمي فإنه يُقبل من قبل المشرق وهو صاحب راية المهدي. (الفتاوى الحديثه ص ٢٧، لأحمد شهاب الدين بن حجر الهيتمي) ١٢- عن زر بن عبد الله قال: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله): لا تذهب الدنيا حتى يملكك العرب رجل من أهل بيتي، يواطئ اسمه اسمي. (نور الأبصار للشبلنجي ص ١٥٥) ١٣- عن أنس بن مالك (رضي الله عنه) قال: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله): نحن بنو عبد المطلب سادات أهل الجنة: أنا وحمزة وعلي وجعفر بن أبي طالب والحسن والحسين والمهدي. (ذخائر العقبى للعلامة الحافظ محب الدين أحمد بن عبد الله الطبري ص ١٥) ١٤- عن أبي سعيد الخدري قال: سمعت رسول الله (صلى الله عليه وآله) يقول: الأئمة بعدى اثنا عشر، تسعة من صلب الحسين والمهدي منهم. (كفاية الأثر) ١٥- عن أبي أيوب الأنصاري قال: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله) لفاطمة (رضي الله عنها): منا خير الأنبياء وهو أبو بكر، ومنا خير الأوصياء وهو بعلي، ومنا خير الشهداء وهو عم أبيك حمزة، ومنا من له جناحان يطير بهما في الجنة حيث يشاء وهو ابن عم أبيك جعفر، ومنا سبطا هذه الأمة سيدا شباب أهل الجنة الحسن والحسين وهما ابناك، ومنا المهدي وهو من ولدك. (منتخب الأثر للطف الله الصافي ص ١٩١) ١٦- من حديث له (صلى الله عليه وآله): من أحب أن يلقي الله عز وجل وقد كمل إيمانه، وحسن إسلامه، فليتلّ ابنه صاحب الزمان المهدي. (أربعين الحافظ محمد بن أبي الفوارس. انظر إلزام الناصب ٣٢٧: ١) ١٧- قال رسول الله (صلى الله عليه وآله): طوبى لمن أدرك قائم أهل بيتي وهو مقتد به قبل قيامه، يتولى وليه، ويتبرأ من عدوه ويتولّى الأئمة الهادية من قبله، أولئك رفقاء وذو دوى ومودتى. (الغيبة للشيخ الطوسي: ٢٩٠) ١٨- عن أبي عباس (رضي الله عنهما) قال: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله): المهدي طاووس أهل الجنة. (كتاب الفردوس لابن شيرويه باب الألف واللام) ١٩- قال رسول الله (صلى الله عليه وآله): ينزل بأمّتي في آخر الزمان بلاء من سلطانهم لم يسمع بلاء أشد منه، حتى تضيق عليهم الأرض الرحبة، وحتى تملأ الأرض جوراً وظلماً، لا يجد المؤمن ملجأً يلتجئ إليه من الظلم، فيبعث الله عز وجل رجلاً من عترتي فيملأ الأرض قسطاً وعدلاً كما ملئت ظلماً وجوراً، يرضى عنه ساكن السماء وساكن الأرض، لا تدخر الأرض من بذرها شيئاً إلا أخرجه، ولا السماء من قطرها شيئاً إلا صبه الله عليهم مدراراً، يعيش فيهم سبع سنين أو ثمان أو تسع، تتمنى الأحياء الأموات ممّا صنع الله عز وجل بأهل الأرض من خيره. (المستدرک علی الصحيحین ٤٠٤: ٢٠) قال رسول الله (صلى الله عليه وآله): تملأ الأرض ظلماً وجوراً، ثم يخرج رجل من عترتي يملك سبعاً أو تسعاً، فيملأ الأرض قسطاً وعدلاً. (مسند أحمد ٢٨: ٣)

پاورقی

- [۱] ر. ک: قمی، شیخ عباس، مفاتیح الجنان، دعای ندبه، اصل عبارتی که در دعای مزبور آمده چنین است: «این الطالب بدم المقتول بکربلاء».
- [۲] ر. ک: همان، زیارت امام حسین (ع) در روز عاشورا. در بخشی از زیارت یادشده چنین آمده است: «فاسئل الله الذی اکرم مقامک و اکرمنی ان یرزقنی طلب ثارک مع امام منصور من اهل بیت محمد:».
- [۳] همان جا.
- [۴] القندوزی، سلیمان بن ابراهیم، ینابیع المودة، نجف، مکتبۃ الحیدریه، ۱۴۱۱ ق، ص ۵۹۰، به نقل از: موسوعه کلمات الامام الحسین (ع)، قم، دارالمعروف، ۱۴۱۵ ق، ص ۶۵۹، ح ۶۸۸.
- [۵] حسینی، ترمذی، محمد صالح، مناقب مرتضوی، ص ۱۳۹، به نقل از: قرشی، علی اکبر، اتفاق در مهدی موعود، ص ۳۵.

- [۶] الشيخ الصدوق، ابو جعفر محمد بن علی بن الحسین، کمال الدین و تمام النعمه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۵۹ ق، ج ۱، ص ۳۱۷، ح ۴؛ به نقل از موسوعه کلمات الامام الحسین، ص ۶۶۱، ح ۶۹۳.
- [۷] همان، ج ۱، ص ۲۵۷، به نقل از: حکیمی، محمد، عصر زندگی و چگونگی آینده انسان و اسلام، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴، صص ۳۵-۳۶.
- [۸] همان، ج ۱، ص ۳۱۷، به نقل از موسوعه کلمات الامام الحسین، صص ۶۶۶-۶۵۵، ح ۷۰۳.
- [۹] الکلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۸، ص ۳۷، به نقل از حکیمی، محمد، همان، ص ۲۹۳.
- [۱۰] در برخی از تفاسیر کلمه «والعصر» به وجود حضرت مهدی (ع) تفسیر شده است.
- [۱۱] علم‌الیقین، ج ۲، ص ۷۹۳، به نقل از موسوعه کلمات الامام الحسین (ع)، صص ۶۶۹-۶۶۸، ح ۷۱۰.
- [۱۲] صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم، قم، انتشارات بیدار، الطبعة الثانية، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۲۲۰.
- [۱۳] سوره حدید (۵۷)، آیات ۲۶ و ۲۷.
- [۱۴] تفسیر القرآن الکریم، ج ۶، ص ۲۹۸.
- [۱۵] نهج البلاغه (صبحی صالح)، کلمات قصار ۱۴۷.
- [۱۶] تفسیر القرآن الکریم، ج ۶، ص ۲۹۹ - ۳۰۰ و شرح الاصول الکافی، ص ۴۶۰.
- [۱۷] سوره بقره (۲)، آیه ۱۲۴.
- [۱۸] سوره مائده (۵)، آیه ۵۵.
- [۱۹] همان، ص ۲۲۱.
- [۲۰] شرح الاصول الکافی، ص ۴۶۱.
- [۲۱] تفسیر القرآن الکریم، ج ۵، ص ۵۲.
- [۲۲] همان، ص ۵۳.
- [۲۳] همان، ج ۷، صص ۱۷۱ - ۱۷۲.
- [۲۴] صدرالدین شیرازی، محمد، مفاتیح الغیب، ص ۳۷، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، چاپ اول ۱۳۶۳ عربی.
- [۲۵] تفسیر القرآن الکریم، ج ۶، ص ۳۰۱.
- [۲۶] سوره بقره (۲)، آیه ۳.
- [۲۷] تفسیر القرآن الکریم، ج ۱، ص ۲۶۸.
- [۲۸] همان، ج ۶، ص ۵۰.
- [۲۹] مفاتیح الغیب، ص ۴۸۷.
- [۳۰] تفسیر القرآن الکریم، ج ۵، صص ۹۲ - ۹۱.
- [۳۱] همان، ج ۶، ص ۳۰۲.
- [۳۲] همان، ص ۳۰۱.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیفزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار- ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-(۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام: - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسير المنسوب إلى الإمام العسكري عليه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رهایی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می دارد و با حجت های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رها کردن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

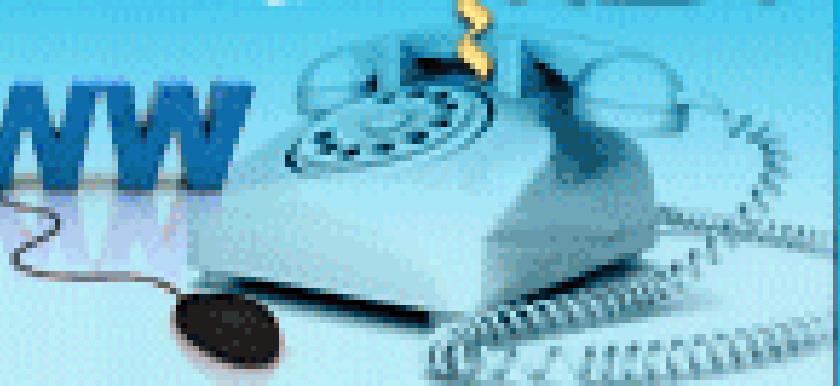
مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



اصفهان

فائمه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹